

---

مجموعه آثار مولیر

---

دیبر مجموعه: دکتر قطب الدین صادقی

---

## زنان دانشمند

مهشید نونهالی

## پرده اول

### صحنه يك

آرماند، آنريت.

چی؟ نام زيباى دوشيزه لقبى است که مى خواهيد  
شيريني دل انگيز آن را خواهرم کنار بگذاريid،  
جسارتاً مى خواهيد جشن ازدواجي به پا کنيد؟  
راستى چنين فكر مبتذلى به ذهنتان راه داده ايid؟  
بله، خواهرم.

5 واي! اين «بله» قابل تحمل نىست،  
حتى شنيدنش هم کاملاً مايه ناراحتى است  
اصلًا ازدواج چه بدی دارد که عين کابوس...  
واي، خدا، حيف!  
چی؟  
مى گويم افسوس!

متوجه نىستيد اين واژه همين که به گوش مى رسيد

آرماند

آنريت

آرماند

آنريت

آرماند

آنريت

آرماند

- |   |                                |  |  |                                       |   |
|---|--------------------------------|--|--|---------------------------------------|---|
| <p>۳۵ وبا حقیرشمردن حس‌ها و مادیات<br/>مثلاً ما تماماً رویارید به ذهنیات.<br/>الگوی مادرمان جلوی چشمانتان است<br/>که همه‌جا به‌نام فاضل بر سر زبان است،<br/>بکوشید مثل من خود را فرزند اونشان دهید،<br/>به فضایلی رویارید که در خانواده می‌بینید<br/>و توجه‌تان به شیرینی‌های جذابی باشد<br/>که عشق به تحصیل در دل‌ها می‌افشاند.<br/>خودتان را از بندگی قوانین مردان دور بدارید<br/>و لطفاً خواهرم، با فلسفة ازدواج کنید<br/>که ما را برتر از این‌ای بشر قرار می‌دهد<br/>وعقل را فرمانروای مطلق ما می‌گرداند،<br/>تابع قوانین عقل می‌سازد جنبه حیوانی را<br/>که میل ناجورش به حیوان بدل می‌کند آدمی را.<br/>این‌هاست پیوند‌های شیرین و عشق‌های زیبا<br/>که باید به‌خوبی پرکنند لحظه‌های زندگی را،<br/>مشغولیاتی که این‌همه زنان به آن حساس‌اند<br/>در چشم من فقدان‌هایی وحشتناک‌اند.<br/>آسمان که می‌بینیم نظمی قدرتمند دارد<br/>از تولد ما را به کارهای متفاوتی می‌گمارد.<br/>همه‌ی اذهان از جنسی بافتہ نشده‌اند<br/>که بتوانند در قامت فیلسوف درآیند.</p> | <p>۴۰<br/>۴۵<br/>۵۰<br/>۵۵</p> | <p>آن‌ای<br/>آن‌ای<br/>آن‌ای<br/>آن‌ای</p> | <p>آن‌ای<br/>آن‌ای<br/>آن‌ای<br/>آن‌ای<br/>آن‌ای<br/>آن‌ای</p> | <p>۱۰<br/>۱۵<br/>۲۰<br/>۲۵<br/>۳۰</p> | <p>در ذهن آدم چه اشمئزایی ایجاد می‌کند؟<br/>تصویر غریب آن چه جراحتی به جان می‌نشاند<br/>و فکر را به چه دورنمای کریهی می‌کشاند؟<br/>وجود‌تان به لرده درنمی‌آید، آیا راستی قادرید<br/>قلبتان را خواهرم به تبعات آن راضی کنید؟<br/>تبعات این واژه، خوب که در نظر می‌گیرم<br/>شوهر و بچه و خانواده را می‌آورد به خاطرم.</p> <p>وقتی هم که تعقل می‌کنم چیزی در آن نمی‌بینم<br/>که فکرم را جریحه‌دار کند یا لرده بیندازد به تم.<br/>خدایا، چینین پیوند‌هایی مایه‌ی خشنودی شماست؟<br/>در سن و سال ما چه چیزی بهتر از این‌هاست<br/>که با عنوان همسر مردی را به خودمان وابسته کنیم،<br/>مردی که دوست‌مان بدارد و دوستش داشته باشیم<br/>و با وصلتی که با عاطفه همراهش می‌کنیم<br/>لذات شیرین زندگی آرامی را فراهم آوریم.<br/>این پیوند اگر متناسب باشد جذابیت ندارد؟</p> <p>خدای من، ذهنتان چه سطح پایینی دارد،<br/>چه شخصیت کوچکی در دنیا بازی می‌کنید<br/>وقتی خودتان را پای بند مسائل خانگی می‌کنید<br/>و هیچ لذت تأثیرگذارتری در چشم انداز ندارید<br/>جز بستی به‌نام همسر و بچه‌هایی که پس می‌اندازید.</p> <p>مشغولیات حقیر و این دست کارها را<br/>بگذارید به‌عهده‌ی مردمان زمخت بی‌سرپا؛<br/>آمال‌تان را به موردهای برتری معطوف دارید،<br/>ذوق‌تان را به‌سوی لذات والاتری بگردانید</p> |
|---|--------------------------------|--|--|---------------------------------------|---|